

# وقفنامه مدرسه قاسم خان

حمیده عبداللهی علی بیک<sup>۱</sup>

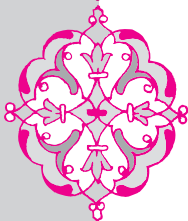
احسان فتاحی اردکانی<sup>۲</sup>

## چکیده:

یکی از مدارس علمیه تهران (در عصر قاجار)، مدرسه قاسم خان است که به دست امیر قاسم خان ساخته شد و بعدها دختری وی مهد علیا (مادر ناصرالدین شاه) آن را توسعه داد و به مدرسه مادرشاه نیز معروف شد. این توسعه در سال ۱۲۶۴ شروع و در سال ۱۲۷۲ به پایان رسیده است. تاریخچه وقف مدرسه، تعیین مکان مدرسه، شناخت افراد ذکر شده در وقفنامه و اطلاعاتی راجع به آنان و تصحیح وقفنامه مذکور مطالبی است که در این مقاله آمده است.

## کلیدواژه‌ها:

مدرسه قاسم خان، مهد علیا، اعتضاد السلطنه، آقا علی مدرس، ملا حسین منجم، عبدالوهاب اصفهانی.



## مقدمه

وقفنامه‌ها به عنوان یکی از منابع پژوهشی شمرده می‌شود و از جهات مختلف می‌توان آن را بررسی کرد.

یکی از وقفنامه‌های دوره قاجار، وقفنامه مدرسه قاسم خان یا مدرسه مادرشاه است که گزارشی از محتوا و ساختار آن داده می‌شود و شخصیت‌های ذکر شده در آن معرفی می‌گردد، سپس متن آن ارائه می‌شود.

## واقف

واقف این مدرسه مهد علیا (۱۲۹۰ ه.ق) مادر ناصرالدین شاه است که نام و نشان وی در ابتدای وقفنامه با لقب نَوَاب علیه‌عالیه تصریح شده است. واقف می‌خواهد در ضمن خیرات زیادی که در نظر دارد، مدرسه‌ای مشتمل بر مسجد بنا کند و انگیزه ایشان سکونت طلاب در مدرسه و اعتکاف بندگان در مسجد است. این مدرسه پیش‌تر نیز وجود داشت اما از یک سو به دلیل کوچکی مدرسه و از سوی دیگر به دلیل خرابی آن نیاز به بازسازی و توسعه داشت از این رو مهد علیا مادر ناصرالدین شاه زمین کنار مدرسه را خریده و دستور توسعه آن را داد. برای بازسازی و توسعه مدرسه، مبلغی مقرر کرد تا در طی دوازده سال این مدرسه بازسازی شود و برای این‌که چنین هزینه بر او لازم گردد آن را به صیغه نذر شرعی بر خود واجب کرد و با ساخت و اتمام مدرسه تمام آن را وقف کرد.

این مدرسه و مسجد پیش‌تر توسط پدر مهد علیا به نام قاسم خان ساخته شده بود. از این رو به مسجد و مدرسه قاسم خان نیز خوانده می‌شود.

در کتاب شرح حال رجال ایران درباره قاسم خان چنین آمده است: «امیر قاسم خان قوانلو قاجار پسر امیر سلیمان خان اعتضادالدوله خالوی آغا محمد خان قاجار مؤسس سلسله قاجاریه است. امیر قاسم خان داماد فتحعلی شاه و پدر ناصرالدین شاه یعنی پدر ملک جهان خانم ملقب به مهد علیا بوده و آب انبار قاسم خان در بین

راه تهران و شهر ری و نیز مسجد و مدرسه مادرشاه سمت جنوب غربی در آخر باب همایون تهران از بناهای اوست و چون مدرسه مزبور را بعداً مهد علیا در آن تعمیراتی نمود امروزه معروف شده به مدرسه مادرشاه»<sup>۳</sup>.

## تاریخ وقف

با توجه به تاریخی که بعد از سجع مهر<sup>۴</sup> مهد علیا آمده، معلوم می‌شود در سال ۱۲۶۴ هـ.ق تصمیم مهد علیا بر تجدید بنای مدرسه اجرایی شده است و در همان سال او میرزا محمد را وکیل در اجرای صیغه نذر و صیغه وقف کرده است. مدرسه در طول مدت ۸ سال بازسازی شده و برای اجرای صیغه وقف، وکیل اجازه قبلی واقف را به رؤیت ایشان می‌رساند. واقف نیز با درج تاریخ ربیع الاول سال ۱۲۷۲ هـ.ق این وکالت را دوباره تأیید می‌کند و در تاریخ ۱۵ ربیع الاول ۱۲۷۲ هـ.ق صیغه وقف جاری می‌شود.

وکیل در اجرای صیغه وقف، حاجی میرزا محمد است که صیغه وقف مدرسه سپهسالار قدیم (بهشتی کنونی) نیز توسط ایشان جاری شده است.<sup>۵</sup> ۲۰ روز بعد یعنی در ۵ ربیع الثانی بعد از تحقق قبض و تصرف طلاب، شخصی به نام علینقی دوباره صیغه عقد را تجدید می‌کند. این تجدید صرفاً برای احتیاط است چرا که در وقف عام قبض و تصرف موقوف علیهم شرط نیست. لازم به ذکر است که جلوس ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۴ هـ.ق بوده است و مهد علیا در همین سال تصمیم به تجدید مدرسه کرده است.

## مکان و موقعیت مدرسه

موضوع وقفنامه تعمیر و توسعه مسجد و مدرسه‌ای است که جزء خیرات والد واقف باقی مانده است و محدوده آن متصل به دارالخلافه و نزدیک به دروازه بیرون شهر مشهور به دروازه دولت است.

در نقشه الیانیکولایویچ<sup>۶</sup> روسی<sup>۷</sup> که در سال ۱۸۵۲م (حدود ۱۲۶۸ه.ق) ترسیم شده است موقعیت مدرسه مادرشاه در ضلع جنوب شرقی ارگ ترسیم شده است و به نظر می‌رسد همان مدرسه حکیم هاشم است. در نقشه عبدالغفار نجم الملک نیز که در سال ۱۳۰۹ه.ق ترسیم شده مدرسه مادرشاه در همان موقعیت ترسیم شده است.<sup>۸</sup> این مدرسه - مسجد اکنون در بلوار پانزده خرداد کوچه تکیه دولت قرار دارد. بلاغی نیز در کتاب تاریخ تهران مدرسه و مسجد حکیم هاشم را همان مدرسه مادرشاه معرفی می‌کند که مهد علیا به تعمیر آن همت گماشت.<sup>۹</sup>

معرفی مدرسه حکیم هاشم به عنوان مدرسه قاسم خان با سه اشکال مواجه است؛

اول آن که این مدرسه در زمان سفر الیانیکولایویچ به ایران به دست مهد علیا تکمیل نشده است تا به نام مادرشاه معروف شود.

دوم آن که بنابر کتیبه ورودی مدرسه حکیم هاشم تاریخ بازسازی (۱۲۹۶ه.ق) چنین ثبت شده است:

برفت چون نود و شش پس از هزار و دو بیست  
 به امر ناصر دین شاه با فر و غازی  
 علیقلی سر شهزادگان وزیر علوم  
 که حکم شه را دارد به صدق همرازی  
 بگفت آنچه خرابی بدان رسیده، کنند  
 ز نو مرمت آن اهل حرفت رازی

و حال آن‌که در این تاریخ مهد علیا از دنیا رفته است و بعید است مدرسه‌ای که وی از ابتدا ساخته است نیاز به تعمیر دوباره داشته باشد.

سوم آن که موقعیت مکانی این مدرسه با آنچه در وقفنامه آمده تطابق ندارد؛ زیرا مدرسه حکیم هاشم در جنوب شرقی ارگ قرار گرفته است اما آن چنان که از وقفنامه برمی‌آید این مدرسه نزدیک دروازه دولت و نزدیک دریچه عمارات

اندرونی واقع شده است و می‌دانیم که دروازه دولت آن روز در شمال ارگ قرار گرفته است. بنابراین این مدرسه باید در ضلع شرقی و نزدیک شمال ارگ قرار گرفته باشد. بلاغی نیز به هنگام شمارش مدارس ارگ، مدرسه حکیم هاشم را جدا از مدرسه مادرشاه نام می‌برد<sup>۱۰</sup>.

عمارات اندرونی، در قسمت شمال شرقی ارگ قرار داشته است و دارای دو درب بود؛ درب نارنجستان که مخصوص تردد شاه بود، و درب معمولی که از راه خیابان درب اندرون به در الماسیه منتهی می‌شد. عمارات اندرونی پایین تر از مدرسه دارالفنون قرار داشت. بنابراین اگر مدرسه نزدیک دریچه عمارات اندرونی بوده است باید گفت در شمال ارگ و اندکی پایین تر از مدرسه دارالفنون قرار داشته است.

در نقشه کرسیس<sup>۱۱</sup> اتریشی<sup>۱۲</sup> که در ۱۸۵۷م (حدود ۱۲۷۳ه.ق) ترسیم شده است، مسجد-مدرسه‌ای در بالای عمارات سلطانی به چشم می‌خورد و به احتمال زیاد همین مدرسه است. این مدرسه-مسجد در ضلع غربی انتهای خیابان الماسیه قرار دارد. موقعیت کنونی این مدرسه در توسعه‌های اخیر همان مسجد توحید در خیابان باب همایون (تقاطع باب همایون و صور اسرافیل<sup>۱۳</sup>) است. این مسجد، به مسجد خراسانی‌ها نیز خوانده شده است. در توسعه‌های اخیر بخشی از این مدرسه خراب شده است<sup>۱۴</sup> اما بخشی از آن به عنوان مسجد هم‌اکنون باقی است.

اطلاعات زیادی از ساختمان قدیمی مدرسه در اختیار نیست اما کرزن<sup>۱۵</sup> که در حدود سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۷ه.ق به ایران سفر کرده است از مسجد مادرشاه یاد می‌کند. او تهران را فاقد بنای بزرگ مسجد یا مدرسه می‌داند و می‌نویسد: «مسجد مادرشاه و یا مدرسه خان مروی [به لحاظ بنا] قدر و مقامی ندارند»<sup>۱۶</sup>. اگر مراد از این مدرسه، مدرسه حکیم هاشم نباشد مشخص می‌شود در نظر کرزن ساختمان بلند و ارزشمندی نداشته است.

نکته لازم به ذکر دیگر آن است که دروازه دولت آن روز در حدود میدان

امام خمینی کنونی قرار داشت. تهران در آن زمان دارای پنج دروازه بود و دروازه دولت در شمال ارگ قرار داشت. در سال ۱۲۸۴ه.ق به دلیل افزایش جمعیت و گسترش تهران، ناصرالدین شاه دستور به تأسیس دارالخلافه ناصری داد و بدین منظور شهر توسعه یافت و حصار هشت ضلعی جدیدی به همراه دوازده دروازه بنا شد. در این طرح دروازه دولت به عنوان یکی از دروازه‌های جدید با فاصله زیادی از دروازه دولت قبلی (خیابان سعدی فعلی) بنا شد. بنابراین اگر در وقفنامه نام دروازه دولت برده شده است، مراد دروازه دولت آن تاریخ است که در شمال ارگ قرار داشته است.

### نام‌های مذکور در وقفنامه

واقف خود برای مدرسه متولی، مدرّس، ناظر و کتاب‌دار مشخص کرده است و حق تعیین مدرّسان بعدی را تا زمان حیات برای خود محفوظ داشته است.

#### ۱. علیقلی میرزا متولی مدرسه

در وقفنامه، متولی مدرسه علیقلی میرزا معرفی شده است و وی همان علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه<sup>۱۷</sup> است. وی فرزند فتحعلی شاه (ح ۱۲۱۲-۱۲۵۰ه.ق) بود و در زمان محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ه.ق) به دستور محمد شاه به عنوان پیش‌کار مهد علیا همسر شاه و مادر ناصرالدین برگزیده شد. با فوت محمد شاه و پیش از آمدن ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ه.ق) به تهران، مهد علیا که اینک وفاداری علیقلی میرزا و دانشش را دریافته بود، با همکاری وی کارها را حل و فصل کرد و بعدها با کمک او توانست میرزا آقا خان نوری<sup>۱۸</sup> (۱۲۶۸-۱۲۷۵ه.ق) را به جای امیر کبیر (۱۲۶۴-۱۲۶۸ه.ق) به صدارت بنشانند.

در سال ۱۲۷۳ه.ق ناصرالدین شاه به وی لقب اعتضادالسلطنه داد و در سال ۱۲۷۵ه.ق رئیس دارالفنون شد و یک سال بعد به عنوان اولین وزیر علوم انتخاب

شد<sup>۱۹</sup>. اعتضادالسلطنه از جمله شاهزادگانی بود که از معلومات خوبی برخوردار بود و توانست آثار علمی خوبی به جای گذارد. از جمله آثار بارزش وی، طرح تألیف نامه دانشوران است که وی سرپرستی این اثر را بر عهده داشت<sup>۲۰</sup>. اهتمام در تهیه نقشه تهران و چاپ آن از دیگر اقدامات وی است.

اکسیرالتواریخ در تاریخ قاجاریه تا ۱۲۵۹هـ.ق که به آن تاریخ اعتضادالسلطنه نیز گفته می‌شود، اخبارالمتنبین و آثارالمضلین<sup>۲۱</sup> که بخشی از آن درباره فتنه باب<sup>۲۲</sup> است، تاریخ وقایع و سوانح افغانستان که در ۱۲۷۳هـ.ق نوشته است<sup>۲۳</sup>، سرگذشت امامزادگان شهر ری، رساله در اوقاف و وقف‌های لازم در قرآن، رساله در تفصیل رصدخانه مراغه که یادگار بازدید او از رصدخانه مراغه در ۱۲۷۶هـ.ق است، از جمله آثار اوست. او در شعر به فخری تخلص می‌کرد و اشعاری از وی باقی مانده است<sup>۲۴</sup>. در هر حال او را باید بازوی علمی- فرهنگی ناصرالدین شاه قلمداد کرد.

## ۲. علی بن عبدالله مدرّس

در این وقفنامه، آقا علی بن عبدالله مدرّس به عنوان مدرّس این مدرسه تعیین شده است و از وی با این عناوین یاد شده است: «جناب فاضل علامه و بارع کامل فهامه وحید الدهر و فرید العصر الجامع بین المعقول و المنقول و الحاوی للفرع و الاصول علی بن المولی‌العلامه عبدالله المدرّس طاب ثراه و جعل الجنة مثواه». این شخص همان آقا علی حکیم فیلسوف مشهور است که بعد از رحلت پدرش در ۱۲۵۷هـ.ق برای تحصیل منقول به عتبات رفت و بعد از مراجعت به تهران، این بار برای تحصیل معقول به اصفهان رفت و بعد از پنج سال استفاده از محضر میرزا حسن نوری به تهران بازگشت. البته در خلال تحصیل در اصفهان سفری به قزوین نیز داشت تا از دروس ملا آقای قزوینی بهره گیرد اما توقّف وی در قزوین زیاد نبود و زود به اصفهان بازگشت. با توجه به این که مقدار توقّف وی در عتبات روشن نیست، تاریخ برگشت وی به تهران را نمی‌توان دقیق تعیین کرد اما اگر

مقدار توقف در عتبات را یک سال در نظر بگیریم، تاریخ برگشت اول وی به تهران در ۱۲۵۸ هـ.ق و تاریخ برگشت وی از اصفهان ۱۲۶۳ یا ۱۲۶۴ هـ.ق است. هر چه هست، وی در ۱۲۶۴ هـ.ق که این وقفنامه تنظیم شده است باید در تهران بوده باشد. در هر حال بعد از آماده شدن مدرسه برای تدریس، مشغول به تدریس شد. کنت دوگوبینو به هنگام یادکرد از وی، او را مدرّس مدرسه مادرشاه معرفی می‌کند و می‌نویسد: «آقا علی طهرانی استاد مدرسه مادرشاه تهرانی، دانشمند قابل ملاحظه‌ای است. هیکل کوچک و اندام ضعیف و لاغری دارد و رنگ صورتش مایل به سیاهی است اما چشمانی نافذ دارد و فوق العاده باهوش است. تحصیلات خود را نزد پدرش ملاعبدالله مدرس و ملا آقا قزوینی و حاج ملا جعفر لاهیجی و حاج محمد ابراهیم و سید رضی و میرزا محمد حسن نوری به پایان رسانیده است. راجع به عقاید فلاسفه شهیر مطالبی نوشته است. ابتدا فقه و اصول و حکمت الهی تدریس می‌کرد ولی بعدها از تدریس این مواد دست کشید اما طلاب او را رها نکرده و به منزلش می‌روند و از محضرش استفاده می‌کنند و خلاصه آن‌که از این گوشه‌گیری، از شهرتش کاسته نشده است»<sup>۲۵</sup>. کنت دوگوبینو دو سفر به ایران داشته است. سفر اول در سال ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۸ م (حدود ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۴ هـ.ق) بوده است و خاطرات خود در این دوران را در کتاب سه سال در آسیا یا سه سال در ایران به نگارش درآورد. سفر دوم در سال ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۳ م (حدود ۱۲۷۸ تا ۱۲۷۹ هـ.ق) به عنوان وزیر مختار فرانسه به ایران مسافرت کرد و دیدنی‌های خود را در کتاب مذاهب و فلسفه‌های آسیای میانه به نگارش درآورد. بنابراین در حدود همین سال‌ها وی از تدریس مدرسه کناره‌گیری کرده است.

همچنین در مناظره‌ای که آقا علی در جمادی الاول ۱۲۷۵ هـ.ق با حاج محمد کریمخان کرمانی انجام داده است از وی به عنوان مدرّس مدرسه مهد علیا یاد شده است.<sup>۲۶</sup>

آقا علی حکیم در زندگی خودنوشت، مدت تدریس در این مدرسه را حدود

هفت سال ذکر می‌کند و با توجه به نظر واقف بر این که مدرّس مدرسه باید روزی سه درس معتبر و با دقت بگوید، وی سه درس در آن می‌داده است. با توجه به بیانات کنت گوینو، آقا علی یک درس فلسفه و یک درس از فقه و درسی از اصول می‌داده است هر چند تدریس دو درس از حکمت و یک درس از منقول (برخی سال‌ها درسی از فقه و برخی سال‌ها درسی از اصول) نیز محتمل است.

آقا علی بعد از ساخت مدرسه سپهسالار (بهشتی کنونی) در سال ۱۲۸۱ هـ.ق به عنوان مدرّس مشغول تدریس شد و اگر تدریس آقا علی در مدرسه قاسم خان از همان سال ۱۲۷۲ هـ.ق بوده باشد، تقریباً تا سال ۱۲۷۹ یا ۱۲۸۰ هـ.ق مدرّس آنجا بود و بعد از مدتی از ادامه تدریس انصراف می‌دهد تا این که دوباره در مدرسه سپهسالار مدرّس می‌شود. نکته لازم به ذکر آن است که در مدت گوشه‌گیری در منزل روشن نیست استفاده طلاب از محضر وی به نحو تدریس بوده است یا به نحوی دیگر.

آقا علی بعد از ساخت مدرسه سپهسالار، برای تدریس به آنجا می‌رود و به گفته خود وی بیش از بیست سال در آنجا مشغول است و به واسطه تدریس در این مدرسه به «علی مدرس» مشهور می‌شود. او بیشتر آثار و تعلیقات را در این دوره نگاشته است.

آقا علی بعد از عمری تدریس در معقول و منقول در سال ۱۳۰۷ هـ.ق از دنیا می‌رود و پیکر پاک وی را در شاه عبدالعظیم حسنی به خاک می‌سپارند.

### ۳. آخوند ملا حسین منجم باشی ناظر مدرسه

ملا حسین منجم برادر آقا علی از اساتید بزرگ ریاضیات و هیأت در عصر خود بود. ملا حسین بنا به نوشته‌ای که در یک جنگ خطّی آمده، در ماه محرم ۱۲۲۸ هـ.ق در اصفهان به دنیا آمد. از او دفتر تقویم به یادگار مانده است. او به همراه ملا حسن محلاتی و ملا محمد هاشم بن ملا محمد علی کاشانی به استخراج احکام

و طبع تقویم در آن عصر مشغول بود و با مهر آنان تقویم به چاپ می‌رسید<sup>۲۷</sup>.  
محمدحسن اعتمادالسلطنه درباره وی می‌نویسد: «ملا حسین منجم برادر افتخار  
العلماء آقا علی مدرس معقول و منقول است. ایشان اصلاً از زنوز آذربایجان  
می‌باشند. مرحوم ملا حسین در علوم نجوم فرید این عصر جدید بود<sup>۲۸</sup>». در نقشه  
اعتضادالسلطنه از تهران، خانه وی به عنوان خانه ملا حسین منجم باشی در کنار  
خانه امام جمعه به چشم می‌خورد.

در این وقفنامه، واقف خود ملا حسین را به عنوان ناظر مدرسه معرفی کرده است  
و وظیفه وی بررسی صحت و فساد تصرفات متولی بیان شده است. تعیین ناظر بعد  
از واقف بر عهده متولی گذاشته شده است.

#### ۴. عبدالوهاب اصفهانی کتاب‌دار

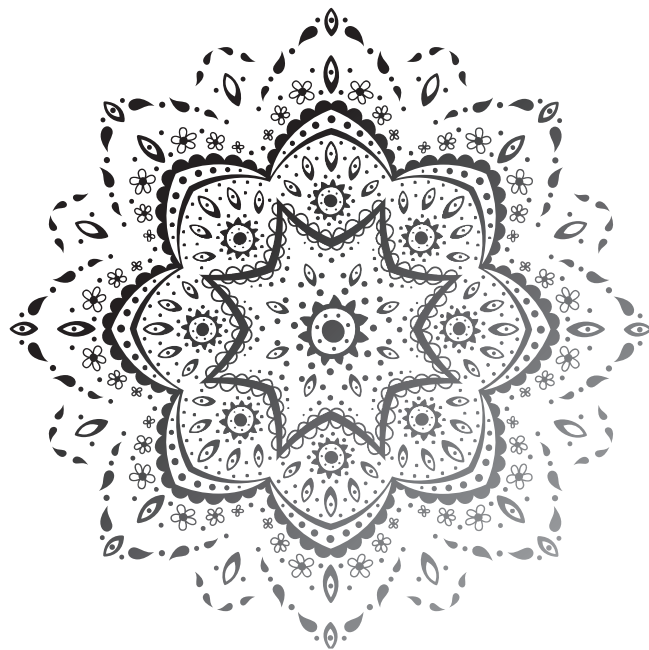
کتاب‌دار از سوی واقف تعیین شده است و او عبدالوهاب بن علی محمد اصفهانی  
است. برای نگارندگان معلوم نشد مراد از این شخص کیست و تنها علی محمد  
اصفهانی که آن زمان معروف بوده باشد همان علی محمد اصفهانی پدر عبدالغفار  
نجم الملک است<sup>۲۹</sup> و ممکن است وی برادر عبدالغفار بوده باشد<sup>۳۰</sup>.

#### نسخه شناسی

نسخه این وقفنامه که در واقع رونوشت وقف است در کتابخانه مجلس شورای  
اسلامی با نام مسجد و مدرسه قاسم خان نگهداری می‌شود. در ابتدای این وقفنامه  
مهر حسن بن علی حکیم (فرزند آقا علی مدرس) دیده می‌شود و نشان می‌دهد  
این وقفنامه مربوط به خانواده آقا علی بوده که بعدها این کتب به کتابخانه مجلس  
منتقل شده است.

نسخه دیگر از این وقفنامه که چه بسا اصل باشد، در مؤسسه پژوهش و مطالعات  
تاریخ معاصر نگهداری می‌شود و بخش‌هایی از آن به وسیله دکتر علی اکبر خان

محمدی به چاپ رسیده است.<sup>۳۱</sup> با پیگیری از مؤسسه مذکور این نسخه یافت نشد و به گفته مسئولین آن مرکز احتمالاً به بخش اسناد منتقل شده است که دسترسی به آن فعلاً مقدور نبود. با تطبیق نسخه مجلس با بخش‌هایی از نسخه مؤسسه مذکور که به چاپ رسیده است، اضافاتی به چشم خورد از جمله تاریخ‌هایی که در آخر وقفنامه آمده است. از این رو این موارد در داخل کروش به متن مجلس اضافه شد تا ان شاء الله با یافته شدن نسخه مزبور تصحیحی مجدد از آن ارائه شود.



## وقفنامه

بسم الله تعالى شأنه

[الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه، محمد و عترته الطيبين و الطاهرين اما بعد،]

چون رأی مبارک نَوَابِ عَلِيَّهٖ عَلِيه، [مهد علیا] - دامت جلالتها و شوکتها - بر آن محکم و ثابت شد که در ضمن خیرات کثیره که منظور داشتند مدرسه‌ای نیز که بر مسجدی مشتمل باشد بنا فرمایند؛ که در او طلاب ساکن باشند و در این عباد معتکف. و از جمله خیرات امیر الامراء العظام الکبار، ذی المجد و الشوکه و الاقتدار، مرحوم مغفور مبرور قاسم خان، والد ماجدِ نَوَابِ عَلِيَّهٖ عَلِيه - اعلی الله قدره فی الجنان - مدرسه‌ای نیز که بر مسجدی مشتمل است، باقی است؛ و متصل به دریچه عمارات اندرانی سلطانی دارالخلافه، قریب به دروازه بیرون شهر مشهور به دروازه دولت واقع است، و چند دکه دکان<sup>۳۲</sup> نیز به جهت روشنایی مسجد و چراغ طلاب وقف فرموده بودند. لکن به جهت حوادثی که در مدتی طویل بر بنای آن مسجد و مدرسه وارد آمده بود، بنیانش روی به انهدام نموده بود و چنان می نمود که از جهت کوچکی و خرابی و سستی اساس و بنیان، از حَیْزِ انتفاع بیرون باشد. لهذا رأیِ نَوَابِ عَلِيَّهٖ عَلِيه قرار گرفت که بنیان همان مسجد و مدرسه را محکم تر و فضایش را وسیع تر و بنیانش را رفیع تر و موقوفاتش را فزون تر فرمایند؛ و زمینی متصل به مدرسه خریده، مسجد و حجرات مدرسه را مطلوب تر و مرغوب تر و محکم تر بسازند.



بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى

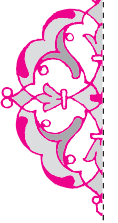
چون رای مبارک نواب علی قلی خان لاهیجی در مجلس شورای ملی  
 شد که در ضمن خیرات کثیره که منظور داشتند در این باب  
 مشتمل باشد بنا فرمایند که در اولاد ساکن باشند و در این عبادت  
 و از جمله خیرات است ایام اربعه العظام الکبیره ذی الحجه و التوکه و الاقلام  
 مغفور بر همه قاسم خان و لهاجد نواب علی قلی خان لاهیجی  
 مدرسه تینی که بر مسجد مشتمل است بنا است و متصل بدکه چنانچه  
 اندک فی سلطانی در الحله و در قریب بدکه و در شهر شهباز  
 دولت واقع است و چند که در کان نیز بجهت روئینای مسجد و چنانچه  
 طلاب وقف فرموده بودند لکن بجهت حواشی که در آنجا طولی است  
 آن مسجد و مدرسه و در آمدن بود بنیانش روی با هدام نموده بود  
 چنان مینمود که از جهت کوچکی و خرابی و سستی اساس و بنیان آن  
 انتفاع بیرون باشد لهذا نواب علی قلی خان لاهیجی که بنیان  
 و مدبر آن مسجد و فضایش را وسیع تر و بنیانش را رفیع تر و موقوفاتش را

فرمایند

و از جهت آن که این عزم به جزم مقرون تر باشد و به تعویق نیفتد؛ به صیغه نذر شرعی بر خود واجب فرمودند، که در مدت دوازده سال مبلغ شش هزار تومان صرف بنای مسجد و مدرسه و ما يتعلّق بها من الحوض و المَطْبَخ و المَبال و غیرها من الضروریات مصروف دارند، و مبلغ نه هزار تومان به خریدن موقوفات مبذول فرمایند؛ به این نحو که هر قدر از این مبلغ که در این مدت موجود شود، مختار باشند که جمله را صرف اتمام بنای مدرسه و مطبخ و مَبال داخل مدرسه و مطبخ و مَبالی که در خارج، قریب به مدرسه، به جهت وسعت و بعضی جهات دیگر در صیغه نذر منظور داشته‌اند که ساخته شود بفرمایند، یا آن که قدری از آن مبلغ موجود را در اتمام بنای مدرسه و متعلقات مذکوره مصروف دارند و قدری دیگر را در خریدن موقوفات مبذول فرمایند، خواه از قبیل املاک باشد، یا آن که از لوازم طلاب و حجرات مانند: فرش و مس و غیرهما.

### تعیین متولی مدرسه مذکوره و مسجد مذکور نوعاً و شخصاً

نَوَابِ فَلَکِ جناب، علیه‌عالیه، تولیت مدرسه مذکوره را شخصاً به نَوَابِ مستطاب اشرف ارفع والا، علیقلی میرزا - آدم الله ظلّه - مرحمت فرمودند و بعد از آن نَوَابِ مستطاب، نوعاً در حقّ امیرزاده‌گان از نسل آن نَوَابِ معلی القاب، مقرر فرمودند؛ به این نهج که از ایشان به ولد اکبر از اولاد ذکور منتقل شود و بعد از ولد اکبر، یا عدم صلاحیت از جهت عدم کفایت یا اهمال در اعمال و تدابیر متعلقه به مصالح و لوازم مدرسه مذکوره، به نهجی که ذکر خواهد یافت به ولد اصغر از او بلاواسطه منتقل شود و هم چنین به ترتیب مذکور، به سایر اولاد ذکور انتقال یابد و در صورت انقراض اولاد ذکور یا عدم صلاحیت در جمیع، به کبرای اولاد اناث منتقل شود و ترتیبی که در ذکور ذکر یافت در اناث نیز معتبر است؛ از کبری در صورت وفات یا عدم صلاحیت، به کوچک‌تر از او



و نمایند و زینجی متصل بدرس خرید مسجد و جهات مدرسہ و مطلوب است  
 و رغوبت و حکم تر با نرند از جهت آنکه این غرض بجز موقوفه نباشد و بتبعی  
 نیست بصیغه نذر شرعی بخود واجب نیست و چون در مدت دو و از ده سال  
 مبلغ شش هزار تومان صرف بنای مسجد و مدرسہ و متعلقها من الحوض و  
 مطبخ و المبال و غیره من الضروریات مصرف دارند و مبلغ نر هزار تومان  
 بخردن موقوفات مبدول نمایند یا این نحو که هر قدر از این مبلغ که در  
 مدت موجود شود مختار باشند که جمله را صرف تمام بنای مدرسہ و مطبخ  
 و مبال داخل مدرسہ و مطبخ و مباله کرد و خارج قریب بدرس بجهت  
 وسعت و بعضی جهات دیگر و صیغه نذر منظور داشته اند که ساخته شود  
 بقرائند یا آنکه قدری از آن مبلغ موجود را در تمام بنای مدرسہ و متعلقا  
 مذکور مصرف دارند و قدری دیگر را در خریدن موقوفات مبدول <sup>نشد</sup>  
 خواه از قبیل املاک باشد یا آنکه از لوازم طلاب و جهات مانند فرش  
 مس و غیره ما قیوم <sup>شخصا</sup> متولی مدرسہ مذکور و مسجد مذکور و موقوفات  
 نواب ملک جناب علی عالیہ تولیت مدرسہ مذکورہ را شخصا بنویسند استطا  
 اشرف رفیع و الا علی قلی میرزا ادام الله ظله رحمت فرمودند و بعد از  
 آن نواب مستطاب نوها در حق امیرزاده کان از نسل آن نواب علی القاف  
 مقرر فرمودند یا بنحی که از ایشان بولدا کبریا اولاد ذکور منتقل شود  
 و بعد از ولدا کبریا عیله صلاحیت ازجهت علم کفایت یا الهمال در اعال  
 و تدابیر متعلق بمصالح و لوازم مدرسہ مذکورہ بنحی که ذکر خواهد یا



بلاواسطه مفوض خواهد بود.

و همچنین و اگر در هیچ یک از اولاد - ذکوراً و اناثاً - صلاحیت نباشد، ولد اکبر از ذکور به تولیت متعین است و لیکن می باید شخص امین معقول با کفایت را از جانب خود نایب نماید تا به امور مدرسه اهتمام داشته باشد، و اجرت نیابت را از حق تولیت خود بدهد و الاً به ولد اصغر از او مفوض است به شرط مذکور.

و این ترتیب و شرط در اولاد ذکور، و بعد از ذکور در اناث معتبر است. و بعد از طبقه اولی از نسل نواب مستطاب به طبقه ثانیه و هم چنین الی ماشاءالله مفوض است و تقدیم طبقه اولی بر ثانیه و ثانیه بر ثالثه و هم چنین الی ماشاءالله اگر چه در طبقه متقدمه اناث باشد، و در متأخره ذکور، و ذکور در هر طبقه بر اناث و اکبر بر اصغر و کبری بر صغری.

و صلاحیت و شرایط مذکوره در جمله طبقات معتبر است، و با عدم صلاحیت و عدم شرایط مذکور در هر یک از طبقات، و یا العیاذ بالله تحقق انقراض نسل، به فاضل عالم محترم قادر جامع المعقول و المنقول عادل مقدس ساکن دارالخلافة طهران منتقل می شود، و در صورت تعدد فاضل مذکور، تعیین احدهما موقوف است به تصدیق مدرس و جمعی از ثقات طلاب، و در صورت فقدان مدرس و طلاب موقوف است به تصدیق حاکم شرع عادل نافذ الحکم مسلم دارالخلافة طهران.

و در صورت فقدان فاضل مذکور در دارالخلافة به حاکم شرع مذکور منتقل می شود و در صورت تعدد حاکم شرع مذکور، تعیین و ترجیح به تصدیق مدرس و جمعی از ثقات طلاب موقوف است، و در صورت فقدان مدرس و طلاب موقوف است به تقدیم تصرف و اقدام در مباشرت امور متعلقه به مدرسه مذکوره.

و اگر دارالخلافة از حاکم شرع متصف به صفات مذکوره؛ از عدالت و



بولد اصغر از اولاد واسطه منتقل شود و همچنین بر ترتیب مذکور پسر اولاد  
 ذکور انتقال یابد و در صورت نفاذ اولاد ذکور علم صلاحیت و جمیع  
 بکبرای اولاد اناث منتقل شود و ترتیبی که در ذکور ذکر یافت در اناث  
 نیز معتبر است از کبری در صورت وفات یا عدم صلاحیت بکوچکتر از اولاد  
 مفوض حق اهدا می شود و همچنین تا کرد هیچیک از اولاد ذکور و اناث  
 صلاحیت نباشد و لذا کبر از ذکور بتقلید معتبر است ولیکن میباید  
 شخص امین معقول با کفایت را از جانب خود نایب نماید تا با موافقت  
 اهتمام تمام داشته باشد اجرت نیابت را از حق تولیت خود بدهد  
 و الا بولد اصغر از اولاد مفوض است بشرط مذکور و این ترتیب و شرط در اولاد  
 ذکور و بعد از ذکور در اناث معتبر است و بعد از طبقه اولی زنی که  
 مستطاب طبقه ثانیه و هم چنین الی ماشاء الله مفوض است و تقدیم طبقه  
 اولی بر ثانیه و ثانیه بر ثالثه و هم چنین الی ماشاء الله اگر چه در طبقه  
 اناث باشد و در متاخره ذکور و ذکور در هر طبقه بر اناث و اکبر  
 بر اصغر و کبری بر صغری و صلاحیت و شرط مذکور در جمله طبقات  
 معتبر است و با عدم صلاحیت و عدم شرط مذکور در هر یک از طبقات  
 ویا العیاذ بالله تماماً نفاذ نسل با فضل عالم محترم قادر رجای المعقول  
 و المنقول عاقل مقدس ساکن در کلافه طهران منتقل میشود و در صورت  
 تعدد فضل مذکور تعیین احدی موقوف است بتصدیق مدعیان  
 جمعی از شایستگان در صورت فقدان مدعیان و طلا بجمع موقوف است

حاکم

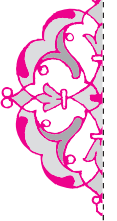


مسلمیت و نفوذ حکم خالی باشد، منتقل می شود به حاکم شرع بلد دیگر که موصوف به صفات مذکوره بوده باشد. و اگر در دو بلد حاکم شرع مذکور موجود باشد لکن یکی از آن دو بلد به دارالخلافه نزدیک تر باشد، حاکم شرع آن بلد متعین است. و در صورت تعدد حاکم شرع مذکور در یک بلد، یا تساوی دو بلد نسبت به دارالخلافه در قرب و بعد، تعیین و ترجیح احدهما بر دیگری به تصدیق مدرّس و جمعی از ثقات طلاب موقوف است. و در صورت فقدان مدرّس و طلاب، به تقدّم تصرّف و مباشرت منوط است.

و شرط است در بقای تولیت متولّی، اهتمام در امور مدرسه مذکوره به قدر امکان عادتاً و عرفاً. و لازم نیست که خود مباشر امور باشد، بلکه جایز است که از جانب خود نایبی قرار دهد و از حقّ تولیت خود حقّ نایب را برساند، مشروط به آن که غیر مباشرت به نایب تفویض نشود و کلیه امور و صحت و فساد اعمال او را خود رسیدگی نماید.

و در تولیت امور مدرسه مذکوره تجزیه نیست بلکه متولّی، متولّی است بر مدرسه و مسجد و آنچه به مدرسه متعلّق است؛ از کتب موقوفه و املاک موقوفه و اذن حجرات. و قادر است بر عزل و نصب خادم و خادم باشی، و بر اخراج هر یک از طلاب که متّصف نباشند به صفاتی که در حقّ ایشان مذکور خواهد شد، و بر تغییر مدرّس و ناظر و امام جماعت مسجد در صورتی که عمل ایشان به تصدیق جمعی از ثقات و عدول طلاب، با شرایطی که در حقّ ایشان مقرر است و مذکور خواهد شد مطابق نباشد، و الاّ بر منصب و شغل خود باقی خواهند بود.

و متولّی می تواند که در بعضی از املاک موقوفه تصرّفی نماید که منفعتش بیشتر شود مثل آن که دکان را خراب کند و فرضاً به جای او حمام بسازد و بالعکس.



حاکم شرع عادل نافذ الحکم مسلم را و الخلافة طم ان و در صورت فقدان فاضل  
 مذکور در دایره الخلافة بجای که شرع مذکور منتقل میشود در صورت  
 تعدد حاکم شرع مذکور تعیین و ترجیح بتصدیق مدرس و جمعی از ثقات طلاب  
 موقوف است و در صورت فقدان مدرس و طلاب موقوف است بتقدیم تصرف  
 و اقدام در مباشرت امور متعلقه بمدرس مذکور و اگر با خلافت آنجا که  
 شرع متصرف بصفات مذکور از عدالت و صلح و نفوذ حکم خالص باشد  
 منتقل میشود بجای که شرع بلد دیگر که موصوف بصفات مذکور بوده باشد  
 و اگر در دو بلد حاکم شرع مذکور موجود باشد لکن یکی از دو بلد بدار  
 الخلافة نیز نزدیک تر باشد حاکم شرع آن بلد متعین است و در صورت تعدد  
 حاکم شرع مذکور در یک بلد یا تا دو بلد نسبت بدار الخلافة در وقت  
 و بعد تعیین و ترجیح احدی بر دیگری بتصدیق مدرس و جمعی از ثقات طلاب  
 موقوف است و در صورت فقدان مدرس و طلاب بتقدیم تصرف و مباشرت  
 منوط است و شرط است در بقای تولیت متولی اهتمام در امور مدرس  
 مذکور بقدر امکان عاقلانه و عرفان و لازمه نیست که خود مباشر امور باشد  
 بلکه جایز است که از جانب خود نائبی را در هله و از حق تولیت خود حق  
 نائب را برساند شرط بانکه غیر مباشرت بنا نباشد تفویض نشود و کلیه  
 امور وصحت و فساد اعمال و را خود رسیدگی نماید و در تولیت امور  
 مدرس مذکور به نیز نیست بلکه متولی متولیات بر مدرس و مسجد  
 و آنچه بمدرس متعلق است از کتب موقوفه و املاک و موقوفه و از آن جهت



### تعیین مدرّس مذکوره شخصاً و نوعاً و شرایط متعلقه به تدریس

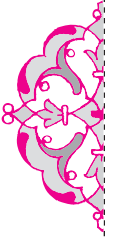
نَوّاب علیه عالیّه - دامت شوکتها - تدریس مدرسه مذکوره را شخصاً به جناب فاضل علامه، و بارع کامل فهّامه، وحید الدهر و فرید العصر، الجامع بین المعقول و المنقول، و الحاوی للفروع و الاصول، علی بن المولی العلامه عبدالله المدرّس - طاب ثراه و جعل الجنة مثواه - مرحمت فرمودند. و بعد از ایشان به فاضلی منتقل می شود که از عهده تدریس کتب مشکله علم الهی و طبیعی از قبیل: شفا و اشارات و افق المبین و قبسات و اسفار و اسرار الآیات با کتبی دیگر که در اشکال نظیر اینها باشد برآید و از منقول نیز اطلاع فی الجمله داشته باشد. و تعیین مدرّس مادام الحیوة با نَوّاب علیه، و بعد با متولّی مدرسه مذکوره است.

و شرط است در مدرّس که در تدریس و رسیدگی طلاب و ترغیب ایشان در تحصیل علم کوتاهی نکند و اهمال نرزد، و سه درس معتبر و با دقّت در صورت وجود متعلّم مستعد بگوید. و به قدر امکان عادی و عرفی تعطیل نکند مگر آن که مریض باشد یا او را سفری شرعاً یا عرفاً لازم شود یا به زیارت یکی از عتبات متبرکه مشرف شود و یا آن که در فصل تابستان به بیلاق رود مشروط به آن که بیشتر از چهل روز به بیلاق به نهج اتصال توقّف نکند، مراجعت نموده به تدریس مشغول شود. و اگر بیشتر توقّف کند از حقّ التدریس معادل ایام زایده مستحق نباشد.

و اگر یکی از طلاب به صفات و شرایطی که در حقّ ایشان معتبر است متّصف نباشند متولّی را واقف نماید تا در مقام اصلاح یا اخراج او بر آید.

### تعیین ناظر مدرسه مذکوره شخصاً و نوعاً، و شرایط متعلقه به نظارت

نَوّاب علیه عالیّه، نظارت مدرسه مذکوره را شخصاً به عالی جناب فضایل مآب، آخوند ملا حسین منجم باشی مرحمت فرمودند، و بعد از ایشان نوعاً به



و قادر است بر عزل و نصب خدام و خادوم باشی و بر اخراج هر یک از طلاب که  
متصف نباشند بصفا که در حق ایشان مذکور خواهد شد و بتغییر مد  
وناظر و امام جماعت مسجد در صورتی که عمل ایشان بتصدیق جمعی از ثقات و  
عدول طلاب براساسی که در حق ایشان مقرر است و مذکور خواهد شد مطابق  
بنا شده و آنگاه بر منصب و شغل خود باقی خواهند بود و متولی می تواند که  
در بعضی از املاک و قوفی تصرف نماید که منفعلس بیشتر شود مثل آنکه در ک  
خر کینده و فضا بجای و حمام بسازد و بالعکس تعیین کند در مدر  
مذکوره مشخصا و نوعا و شرایط متعلقه بتدریس نواب طلبه عالیه دست  
شوکتها تدبیر مدسسه مذکور را شخصا بجانان فضل علامه و بارخ کامل فقا  
وحید الله و فرید العصر الحجامع بین المعقول و المنقول الحامی و الفرع  
و الاصول علی بن المولی العلامه عبداللہ المدرس طائره و جعل الحجت منواه  
مرحمت فرمودند بعد از ایشان بفاضلی منتقل میشود که از عهد تدبیر  
کتاب سکه طله الهی و طبیعی از قبیل شفا و اشارات و افق المبین و قبسات  
و اسفار و اسرار الایات با کتبی دیگر که در اشکال نظیر اینها باشند بر آید  
و از منقول نیز اطلاع بجزایر داشته باشد و تعیین مدرسین ما را بچگونه با  
نواب طلبه و بعد بامتوالمدسسه مذکوره است و شرط است در مدرسین  
که در تدبیر و مرشدی کی طلاب و ترغیب ایشان در تحصیل علم کونالهی  
نکند و الهال نور زد و سه در سه معتبر با وقت در صورت وجود متعلم  
مستعد بگوید و بقدر امکان عاری و غیره تعطیل نکند مگر آنکه مریض باشد

یا مفری



شخصی مفوض است که متولی معین نماید.

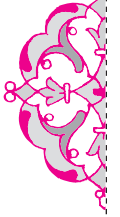
و شرط است در بقای نظارت که به قدر امکان در ملاحظه اموری که در باب موقوفات و مدرسه از متولی صادر شود، اهمال نرزد و صحت و فساد تصرفات متولی را واقف باشد مشروط به آن که بدون جهت و مصلحت شرعیه نسبت به حال مدرسه و موقوفات با متولی به نزاع برنیاید. و اگر خلافی میان ایشان در صلاح و فساد امری واقع شود هر یک را که مدرّس و عدول طلاب تصدیق کنند، قول او مقدم باشد. و اگر مدرّس و طلاب را در آن امر وقوف و اطلاع نباشد به خبره آن امر رجوع کنند و به تصدیق خبره عمل نمایند.

### تعیین کتابدار و شرایط متعلقه به بقای این عمل، و به کتب موقوفه

کتابداری مدرسه مذکوره را به عبدالوهاب بن الجانی علی محمد الاصفهانی مرحمت فرمودند، و نوعاً به شخصی مفوض است که از علم عاری نباشد و متولی مدرسه مذکوره او را معین فرمایند.

و شرط است در او که کمال سعی و اهتمام را در حفظ کتب موقوفه مرعی دارد، و هر کتابی که به یکی از طلاب دهد قبض بگیرد. و کتب موقوفه را به خارج از طلاب مدرسه که موقوف علیهم باشند، ندهد که از مدرسه بیرون برد مگر به اذن متولی و اطلاع مدرّس و یا ناظر، و در این صورت نیز اگر کتاب در پیش آن شخص خارج تلف شود، کتابدار باید از عهده ارش یا قیمت برآید. و اگر متولی کتابی به شخصی خارج دهد، و یا آن که به کتابدار بگوید که فلان کتاب را به فلان شخص بده و کتاب در پیش آن شخص تلف شود یا معیوب گردد، باید متولی از عهده قیمت یا ارش برآید. و هم‌چنین اگر مدرّس یا ناظر به دادن کتاب اقدام کنند، قیمت و ارش در عهده ایشان است و کتابدار را رجوعی نیست.

و طلاب موقوف علیهم نیز کتب موقوفه را از مدرسه بیرون نبرند مگر به



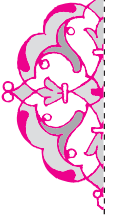
یا او داسف می‌شاید عرفا لازم شود یا زیارت یکی از عبادت متبرکه که شرط  
 شود و یا آنکه در فضل تابستان به بیلاق رود و شرط باشد با آنکه پیش از آن  
 روز به بیلاق پنج اتصال توقف نکند و اجعت نموده بتدریس شعوب  
 و اگر پیشتر توقف کند از حق التدریس معادل ایام زاید مستحق نباشد  
 و اگر یکی از طلاب به صفات و شرایطی که در حقوق ایشان معتبر است متصف نیابد  
 و توفیر و واقف نماید تا در مقام اصلاح یا اخراج او بر آید تعیین ناظر مدرسه  
 مذکور شخصاً و نوعاً و شرایط متعلقه بنظارت نواب بطریقاً لایزال  
 مدرسه مذکوره را شخصاً بجا لیکن از قبضه آنرا بخندک ملاحظه می‌نماید  
 باشی محبت فرمودند و بعد از ایشان نوعاً بشخصی مفوض است که متولی  
 معین نماید و شرط است در بقای نظارت که بقدر امکان در ملاحظه  
 امور که در باب وقفیات و مدرسه منقولی صادر شود اهما لیتوند  
 و صورت فساد تصرفات منقولی و واقف باشد شرط با آنکه بدون جهت و  
 شبه نسبت بجال مدرسه و وقفیات یا متوجه نزاع بر نیاید و اگر خلاف  
 ایشان در صلاح و فساد امری واقع شود هر یک را که مدرس و عدول طلاب  
 تصدیق کنند قولاً و مقدم باشد و اگر مدرس و طلاب را در امر و قوی  
 و اطلاع نباشد بخبر آن امر جمع کنند و بتصدیق و خبره عمل نمایند تعیین  
 کتاب داد و شرایط متعلقه ببقای این عمل و یککتب موقوفه کتاب  
 مدرسه مذکوره را بعد الوهاب بن الحانی علی جمیع الاصفهانی مخرجی  
 و نوعاً بشخصی مفوض است که از علمای آنجا باشد و متولی مدرسه مذکور



جهت درس و مباحثه و مطالعه، و در این صورت نیز از دو شبانه روز بیشتر در خارج مدرسه نگاه ندارند، مگر به اذن متولی و اطلاع مدرّس یا ناظر. و بر متولی و مدرّس و ناظر لازم است که در هر شش ماه یک مرتبه به اطلاع چند کس از طلاب، کتب موقوفه را بازدید نمایند و اگر تعمیری در جلود کتب یا اوراق آنها لازم باشد به زودی اقدام کرده، تعمیر نمایند. و از برای متولی جایز است که کتب موقوفه را کلاً یا بعضاً با مصلحت شرعیه در خارج مدرسه نگاه دارد. و هم چنین از برای مدرّس جایز است که در خارج مدرسه بیشتر از دو شبانه روز نگاه داشته باشد در صورتی که محتاج باشد، اگر چه در بعض اوقات شبانه روز محتاج شود. و شرط است نیز که طلاب کتب را معطل نگذارند و بعد از رفع احتیاج به دیگری که محتاج باشد بدهند؛ یعنی به کتابدار ردّ کنند تا او به دیگری که محتاج است بدهد. و در دست هر یک که تلف شود قیمت یا ارزش در عهده او است.

### شرایط متعلقه به طلاب مدرسه مذکوره

توقف طلاب و سکون ایشان منوط به اذن متولی و تصدیق مدرّس و ملاحظه ناظر است. و شرط است در ایشان که به قدر امکان عادی در ایام تحصیل مشغول باشند و کسالت نورزند، و در شبانه روز یک حزب کلام الله مجید تلاوت نمایند و ثواب آن را به والدین واقف تفویض نمایند. و هر یک از ایشان که موجب فسادی شود یا منشأ نزاعی، از زمره موقوف علیهم خارج باشد و توقف او در مدرسه به اذن جدید محتاج بود. و بر یکی از دو نفر که در یک حجره باشند، لازم است که بیتوته نماید در صورتی که بر او به حسب عادت آسان باشد. و شرط است نیز در ایشان که نسبت به متولی و مدرّس و ناظر طریق ادب را منظور دارند و بیهوده به مخاصمت و نزاع برنخیزند و الاّ از زمره



او راه عین فرمایند و شرط است در او که کمال سعی و اهتمام دارد و حفظ کتب  
 موقوفه را می نماید و هر کتابی که یکی از طلاب در کتب قبضه بکند و کتب موقوفه  
 بخارج از طلاب مدرسه که موقوفه علیهم باشند ندهد که از مدرسه بیرون  
 برود مگر باذن متولی و اطلاع مدبر و یا ناظر و در این صورت نیز اگر کتاب  
 پیش از آن شخص خارج تلف شود کتاب با پلایان عهد ارشاد قیمت برآید  
 و اگر متولی کتابی به شخصی خارج دهد و یا آنکه بکتاب را بگوید که فلان  
 کتاب بفلان شخص بدهد و کتاب در پیش آن شخص تلف شود یا معیوب گردد  
 باید متولی از عهد قیمت یا ارشاد برآید و هم چنین اگر مدبر یا ناظر پلایان  
 کتاب اقدام کند قیمت و ارشاد عهد ایشان و کتاب را در رجوع  
 و طلاب موقوفه علیهم نیز کتب موقوفه را از مدرسه بیرون نبرند مگر بجهت  
 درس و مباحث و مطالعه و در این صورت نیز از دو شبانه روز پیشتر در  
 خارج مدرسه نگاه دارند مگر باذن متولی و اطلاع مدبر یا ناظر موقوفه  
 و مدبر و ناظر لازم است که در هر شش ماه یکبار با اطلاع چند کس از طلاب  
 کتب موقوفه را بازدید نمایند و اگر تعمیری در جلوه کتب یا اوراق آنها  
 لازم باشد بروی اقدام کرده تعمیر نمایند و از برای متولی جایز است که کتب  
 موقوفه را کلاً یا بعضاً با مصلحت شرعی در خارج مدرسه نگاهدارد  
 و هم چنین از برای مدبر جایز است که در خارج مدرسه پیشتر از دو  
 شبانه روز نگاه داشته باشد در صورتیکه محتاج باشد اگر چه در بعض  
 اوقات شبانه روز محتاج شود و شرط است نیز که طلاب کتب را معطل نگذارند

وبعلاز



موقوف علیهم خارج باشند و توقّفشان به اذن جدید محتاج باشد، مگر آن که در مقام مطالبه حقّی که دارند بر آیند و در این صورت نیز باید اولاً به معقولیت و درستی حرکت کنند.

و در حجرات بیشتر از دو نفر توقّف نکنند و ساکن نشوند، و کمتر از دو نفر موقوف به اذن است، مگر مدرّس که جز او کسی نباید در حجره او ساکن باشد، و هم چنین است چند حجره کوچک که توقّف دو نفر در آنها ممکن نباشد. و جایز نیست که عاریه، از سه شبانه روز بیشتر در مدرسه توقّف کند، مگر آن که از اهل علم و تحصیل باشد، و به قدر طّلاب تحصیل کند، و صاحبان حجره یا صاحب حجره به توقّف او راضی باشند.

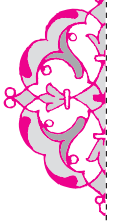
و هر یک از طّلاب بیشتر از یک شاگرد نگاه ندارند و حجره خود را معطل نگذارند، مگر آن که به عادت او را شغلی پیش آید، یا آن که در فصل تابستان به بیلاق رود، و در این صورت و صورت اولی اگر بعد از چهل روز مراجعت نماید، به اذن جدید محتاج باشد.

و معین نیست بر طّلاب تحصیل علم مخصوص، بلکه هر یک از علوم متداوله از معقول و منقول و توابع آنها که خواهد، تحصیل نماید. و متولّی مختار است که وظایف طّلاب را به اختلاف درجات ایشان تقسیم نماید و تعیین درجات ایشان با مدرّس است. و هر یک از ایشان که در این معنا یا تعیین درجه با متولّی یا مدرّس نزاع کنند از جمله موقوف علیهم خارج گردند.

### تعیین امام جماعت مسجد مدرسه مذکوره، و شرایط متعلقه به امامت

امام جماعت مدرسه مذکوره شخصی است که متولّی تعیین نماید، بعد از تصدیق مدرّس و تعدیل جمعی از ثقات طّلاب.

و هر سه وقت را باید به مسجد حاضر شود و به امامت جماعت قیام نماید، مگر آن که یکی از سه وقت بر او به حسب عادت ممکن نباشد و دشوار باشد،



و بعد از رفع احتیاج بدیگری که محتاج باشد بدهند یعنی بکتاب درازند  
 تا او دیگری که محتاج است بدهد و در دست هر یک که تلف شود  
 قیمت یا ارزش در عهد او است **شروط متعلقه بطلاب** <sup>مدرسه</sup>  
 توقف طلاب و سکونت ایشان منوط باذن متعلق و تصدیق مدرسین و ملاحظه  
 ناظر است و شرط است در ایشان که بقدر امکان عادی در ایام تحصیل مشغول  
 باشند و کسالت نوز ندهند و شبانه روزی بیک چیز بکلام الله چیدند  
 نمایند و ثواب آنرا بوالدین یا وقف تفویض نمایند و هر یک از ایشان که حق  
 فساد شود یا منشا تراخی زنده موقوف علیهم خارج باشد و توقف او در مسکن  
 باذن جدید محتاج بود و بر یکی از ذوق فقر که در یک حجره باشند لازم است  
 که بدتیوبه نماید در صورتی که بر او بجهت طاعت آسان باشد و شرط است نیز  
 در ایشان که نسبت بمذول و مدرسین و مناظر و کتب و کتب و مناظر و کتب  
 و بهوده بخاصیت و نواح بر نهند و الا از زنده موقوف علیهم خارج  
 باشند و توقفشان باذن جدید محتاج باشد مگر آنکه در مقام مطالبه  
 حق که دارند برآیند و در این صورت نیز باید و لازم بقولیت و درستی حرکت  
 کنند و در حجرات بیشتر از دو نفر توقف نکنند و ساکن نشوند و کمتر از  
 دو نفر موقوفین است مگر مدرسه که جزا و کسی نباید در حجره او ساکن  
 باشد و هم چنین است چند حجره کوچک که توقف دو نفر در آنها ممکن نباشد  
 و جایز نیست که هاربه از سه شبانه روز بیشتر در مدرسه توقف کنند مگر  
 آنکه از اهل علم و تحصیل باشد و بقدر طلاب تحصیل کنند و صاحبان



و مگر چهل روز از ایام تابستان که به بیلاق رود، و یا آن که به زیارت یکی از اماکن مشرفه مشرف شود، یا آن که سفری دیگر او را شرعاً یا عرفاً لازم باشد. و حوض مدرسه و آب او وقف است بر کافه مؤمنین که در وضو و غسل و تطهیر بدن یا جامه استعمال کنند.

### تعیین خادم و خادم باشی، و شرایط متعلقه به ایشان و تشخیص مؤذن

از برای مدرسه دو نفر خادم و یک نفر خادم باشی مقرر فرموده‌اند؛ یک نفر خادم به جهت خدمات مدرسه و طلاب، و یک نفر خادم باشی جهت تحصیل منافع موقوفات و بعضی از خدمات مدرسه و طلاب، و یک نفر خادم دیگر به جهت خدمات و مدرّس کلاً مقرر فرمودند.

و شرط است در خادم باشی که هر سه وقت در مدرسه اذان بگوید مگر آن که صبح را بر او عادتاً ممکن نباشد. و شرط است نیز در دو نفر خادم و یک نفر خادم باشی که در خدمات متعلقه به ایشان کوتاهی نکنند؛ و برف صحن مدرسه را پاک کنند، و حوض را پاک نموده، آبش را تازه نمایند، و هم چنین در امور دیگر که به ایشان متعلق باشد.

### تعیین روزه خوان مسجد

باید در تمام سال، در شب‌های جمعه و ده شب عاشورا شخصی را که متولّی و ناظر صلاح دانند معین نمایند که ذکر مصیبت جناب خامس آل عبا - علیه آلاف التحية و الثناء - را نموده، مؤمنین را که در مسجد حاضرند مستفیض نمایند.

### تفصیل مصارف منافع موقوفات مدرسه مذکوره

سهامی به تفصیل ذیل در منافع موقوفات مدرسه مذکوره مقرر داشته‌اند؛ به این نهج که بعد از جدا نمودن سهم متولّی و مدرّس و ناظر و کتاب‌دار و دو



یا صاحب جمع بنوقف و داخل باشند و هر یک از طلاب بیشتر از یک شاگرد  
نگاه نداشتند و جرم خود را معطل نگذاشتند و هر یک بکعبه عبادت او و اشغال  
آید یا آنکه در فصل تابستان به بیدار رود و در این صورت و صورت اول  
اگر بعد از چهل روز مراجعت نماید باز در جدیدی محتاج باشد و معین نیست  
بر طلاب تحصیل علم مخصوص بلکه هر یک از علوه متداوله از معقول و منقول  
و قباچ آنها که خواهد تحصیل نماید و متعلق مختار است که وظایف  
طلاب را با اختلاف درجات ایشان تقسیم نماید و تعیین درجات ایشان  
بامدرس است و هر یک از ایشان که در این معنی تعیین در وجه بامدرس  
یا مدرس نعلق کنند از جمله موقوف علیهم خارج گردند تعیین امام جماعت  
مسجد و مدرسه مذکوره و شرایط متعلقه بامامت امام جماعت  
مدرس مذکور و شخصی است که متعلق تعیین نماید بعد از تصدیق مدرسین  
و تعدیل جمیع انقیات طلاب و هر سه وقت را باید بسجده حاضر شود  
و بامامت جماعت قیام نماید هر یک یکی از سه وقت بر او سجده است  
ممکن نباشد و دشوار باشد و هر یک چهل روز از ایام تابستان که بیرون  
رود و یا آنکه بزیارت یکی از اماکن مشرف مشرف شود یا آنکه سفر  
دیگر و یا اشعار از مر باشد و حوض مدرسه و آب و وقف است  
بر کافه و زمین که در وضو و غسل و تطهیر و یدین یا جامه استعمال کنند  
تعیین خای و خای باشد و شرایط متعلقه بایشان و شخص مؤمن  
از برای صدق و نفع خادم و یکف خادم باشد و مقدر فرموده اند دلیل نفع خادم

بجهدت



خادم و خادم باشی، اگر سهمی که به جهت تعمیر مدرسه و املاک موقوفه قرار داده‌اند، وافی نباشد؛ و مدرسه یا املاک موقوفه یا امور متعلقه به مدرسه را تعمیر کلی لازم باشد، تعمیر را بر سایر سهام مقدم دارند، و اگر چیزی بماند در باقی سهام صرف نمایند.

و اگر تعمیری به هیچ وجه لازم نباشد یا آن که سهم تعمیر زاید آید از تعمیری که لازم باشد، او را در ازدیاد موقوفات نفعه صرف نمایند. و فرش حجرات و مسجد و حصیر و مرمت کتب و برف رویی و پاک نمودن حوض و مبال و خریدن آب به جهت حوض، داخل در سهم تعمیرات است.

### تقسیم سهام

باید که متولّی شرعی جمیع منافع موقوفات مسطوره را - خواه منافع یومیه باشد و خواه ماهیانه و خواه سالیانه - به حیظه ضبط خود درآورده و آن را صد سهم قرار دهد؛ موازی بیست سهم از آن جمله را مخصوص خود دارد، و موازی هفت سهم و نیم از آن را مخصوص مدرّس شرعی، و موازی هفت سهم و نیم از آن را مخصوص ناظر شرعی، و موازی سه سهم از آن را مخصوص امام جماعت مسجد مدرسه مزبوره، و موازی دو سهم از آن را مخصوص کتاب‌دار مدرسه مزبوره، و موازی سی و شش سهم از آن را مخصوص طلاب علم که در مدرسه مزبوره تحصیل علم می‌کنند علی قدر طبقاتهم باید صرف معاش و گذران ایشان شود، و موازی سه سهم آن را مخصوص خریدن کتب و استنساخ آنها دارند، و موازی یک سهم آن را مخصوص روشنایی مسجد مزبور و ما یتعلّق بها، و موازی چهار سهم آن را مخصوص ذکر مصیبت و اطعام طلاب و فقرا که از شب اول محرم تا شب عاشورا باید صرف آنها نمایند، و موازی شانزده سهم آن را بعد از وضع اجرت سه نفر خادم و حقّ یک نفر روضه خوان، ما بقی را باید اولاً صرف تعمیر و فرش مسجد و حجرات مدرسه و بوریای آن نمایند، و



بجهت خدامه طلبه و اولاد و بیک نفر خادم باشی بجهت تحصیل منافع موقوفات  
 و بعضی از خدامه طلبه و بیک نفر خادم و بیک بجهت خدامه طلبه  
 مقرر نمودند شرط است در خادم باشی که هر سه وقت در مدرسه  
 ازان بگوید که انکه صبح و ابرو عاده ممکن نباشد و شرط است نیز در  
 نفر خادم و بیک نفر خادم باشی که در خدمات متعلقه با ایشان کوتاهی نکنند  
 و بوقت صبح مدرسه را پاک کنند و حوض را پاک نموده آبش را تازه نمایند  
 و همچنین در امور دیگر که با ایشان متعلق باشد تعیین فیوضت نمایند  
 باید در تمام سال در شبهای جمعه و ده شب شش شورش مخصوص را که متولی  
 و ناظر صلاح دانند معاین نمایند که ذکر تصدیت جناب مسال علیها  
 آلاف التحية و الثناء را نموده مؤمنین را که در مسجد حاضرند مستفیض  
 نمایند تفصیل مضاف منافع موقوفات مذکور مذکور  
 سهامی تفصیل قبیل در منافع موقوفات مدرسه مذکور مقرر شده اند  
 باین نهج که بعد از اجل نمودن سهم متولی و مدیر و ناظر و کتاب دار  
 در خادم و خادم باشی اگر سهمی که بجهت تعمیر مدرسه و املاک موقوفه  
 قرار داده اند را فی بنیاد و مدرسه یا املاک موقوفه یا امور متعلقه  
 به مدرسه را تعمیر کل لازم باشد تعمیر را بر سایر سهام مقدم دارند و اگر  
 چیزی بماند در باقی سهام صرف نمایند اگر تعمیری بجهت و بعد از آن باشد  
 یا آنکه سهم تعمیر را بداند از تعمیر دیگر لازم باشد او را در زیاد موقوفات  
 نافع و نمایند و فرش حجرات و مسجد و حصیر و وقت کتب و غیره



هر چه از آن فاضل آید آن را صرف نمای موقوفات نماید. و اگر از آن نیز فاضل آید هر چه را که متولّی و ناظر مصلحت دانند از دکاکین و املاک از آن ابتیاع نمایند و به نهج مسطور وقف مدرسه مزبوره نمایند. فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۳۳.

[جناب مجتهد الزبانی، حاجی ملا میرزا محمّد را زحمت می دهم. شما وکیل هستید که از قرارداد فیما بین کتابچه، صیغه وقف و نذر شرعی جاری نمایید.

سجع مهر: (شه جم نگین را مهین مادرم)

۱۲۶۴

ربیع الاول سنه ۱۲۷۲

بسم الله تعالى. حسب الفرمایش سرکار نواب علیّه عالیّه مهد علیا - دامت شوکتها - صیغه وقف مدرسه و مسجد جدید البنای سرکار ایشان، از قرار مسطور در این کتابچه، قراراً و شرایطاً بالتمام به نحوی که تا آخر ذکر شده است، واقع و جاری شد. خداوند از ایشان قبول فرماید.

فی ۱۵ شهر ربیع الاول ۱۲۷۲.

سجع مهر: (انا العبد المذنب میرزا محمد)

وقع تجدید عقد الوقف المرقوم علی الشّروط و القيود و المفصّلة المشروحة فی هذه الأوراق الخمسة بعد تحقّق القبض والتخلية و تصرّف الموقوف علیهم فی خامس ربیع الثانی من اثین و سبعین بعد الألف و مأتین ۱۲۷۲ من الهجرة النبویة. حرّره (الواثق بالله العلیّ عبده علیتی).]



و پاک نمودن حوض و مبال و خریدن آب بجهت حوض داخل سهم <sup>بهرت</sup>  
تقسیم سهام باید که متعلق شرعی جمیع منافع موقوفات مسطوره را خوا  
منافع یومیته باشد و خواه ما لهیا نه و خواه سالیا نه بخیطه ضبط خود در  
و انرا صد سهم قرار دهد مولزی بیست سهم از آن جمله را مخصوص خود  
دارد و مولزی هفت سهم و نیم از آن مخصوص مدتی شرعی و مولزی  
هفت سهم و نیم از آن را مخصوص ناظر شرعی و مولزی سه سهم از آن را  
خصوصا امام جماعت مسجد مدینه منوره و مولزی دو سهم از آن را  
خصوصا کتابدار مدینه منوره و مولزی سی و شش سهم از آن را مخصوص  
طلاب علم که در مدینه منوره تحصیل علم میکنند علی قدر طبقاتهم باید  
معاش و گذران ایشان شود و مولزی سه سهم از آن مخصوص خریدن کتب  
و استساج آنها دارند و مولزی یک سهم از آن مخصوص دوشنای مسجد  
منوره و ما بقیه بقره و مولزی چهار سهم از آن مخصوص ذکر مصیبت و افعام  
طلاب فقرا که از شب و روز عمر ترا شط شورا باید صرف آنها نمایند  
مولزی شانزده سهم از آن بعد از وضع اجرت سه نفر خادم و حقوق یک نفر و صد  
خوان ما بقیه باید و کما صرف تعمیر و فرش مسجد و حجاب صدره و بویاری  
آن نمایند و هر چه از آن فاضل آید از صرف نمای و موقوفات نماید و اگر  
از آن نیز فاضل آید هر چه را که متعلق و ناظر صلوات نمایند از دکان کربلا  
از آن ابدیای نمایند و بنوع مسطور و وقف مدینه منوره نمایند و بقدر بقدر  
ما سه و فلانما الحمد علی الذی هدانا لهذا الذی کنا علیهم





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِمَّا كَسَبَ  
سَافَرْنَا بِهِ بَيْنَ الْمَدِينَتَيْنِ  
فِي سَفَرٍ مَعِينٍ  
فِي سَفَرٍ مَعِينٍ

## پی‌نوشت‌ها:

۱. استادیار دانشگاه قم.
۲. دانشجوی دکتری عرفان و تصوف.
۳. شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۱۲۶.
۴. سجع مهر مهد علیا چنان که در دیگر منابع نیز آمده این است: شه جم‌نگین را مهین مادرم.
۵. وقفنامه مدرسه سپهسالار و نام میرزا محمد به‌عنوان جاری‌کننده صیغه در فصلنامه وقف میراث جاویدان آمده است.
6. Iliya Nikolayevitch Berezin.  
وی دوباره به ایران سفر کرده است یک بار در سال ۱۸۴۲م و بار دوم در سال ۱۸۵۲م.
۷. اصل این نقشه در کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود اما تصویری واضح از آن در کتاب نگاهی به تهران از آغاز تا کنون، ص ۱ و کتاب عکس‌هایی از تهران قدیم، ص ۲۶ به چاپ رسیده است.
۸. نگاهی به تهران از آغاز تا کنون، ص ۵۶.
۹. گزیده تاریخ تهران، ص ۲۸.
۱۰. گزیده تاریخ تهران، صص ۲۸۶-۲۸۷.
11. Krziz.  
۱۲. نقشه علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه که به تاریخ جمادی الاولی ۱۲۷۵هـ.ق منتشر شده است با

- کمک کرسیس نوشته شده است. نقشه اعتضادالسلطنه در ایران منتشر شد و اسامی آن به فارسی نوشته شده است اما نقشه کرسیس تفصیلات نقشه اول را ندارد و اسامی آن به فارسی و انگلیسی نوشته شده است.
۱۳. صور اسرافیل همان خیابان در اندرون است. این خیابان چون به سمت عمارات اندرونی کشیده شده است به این نام نامیده شده است و مسجد درب اندرون در خیابان ناصر خسرو نزدیک این خیابان قرار دارد. این شواهد نیز نشان می‌دهد که عمارات اندرونی در همین حدود بوده است.
۱۴. رک گزیده تاریخ تهران، ص ۲۸۶.  
15. Curzon
۱۶. ایران و قضیه ایران، ج ۱، ص ۴۳۵.
۱۷. در همین تاریخ علیقلی مخبرالدوله نیز وجود دارد اما منظور از علیقلی میرزا همان اعتضادالسلطنه است.
۱۸. علامت اختصاری صدارت.
۱۹. رک المآثر و الآثار، ج ۱، صص ۲۶۱-۲۶۲.
۲۰. الذریعه، ج ۸، ص ۱۶.
۲۱. همان، ج ۱، ص ۳۴۷.
۲۲. همان، ج ۱۶، ص ۱۱۴. فتنه باب توسط عبدالحسین نوایی در مجله یغما، ش ۲۵، خرداد ۱۳۲۹ به چاپ



## منابع:

۱. ایران و قضیه ایران، جورج ناتانیل کرزن، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
۲. المآثر و الآثار، میرزا محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۳.
۳. مجموعه مصنفات آقا علی مدرس طهرانی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۸.
۴. شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، انتشارات زوار، ۱۳۷۱.
۵. مذاهب و فلسفه در آسیای مرکزی، کنت دوگوبینو، ترجمه: م.ف، تهران، بی تا.
۶. عکس‌هایی از تهران قدیم، سازمان زیباسازی شهر تهران، تهران، ۱۳۹۰.
۷. گزیده تاریخ تهران: سید عبدالحجه حسینی بلاغی، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۸۶.
۸. الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸هـ.ق.
۹. نگاهی به تهران از آغاز تاکنون، علی اکبر محمودیان، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- رسیده است.
۲۳. الذریعه، ج ۳، ص ۲۳۵.
۲۴. همان، ج ۹، ص ۸۱۳.
۲۵. مذاهب و فلسفه‌های آسیای میانه، ص ۸۹.
۲۶. مجموعه مصنفات آقا علی مدرس طهرانی، ج ۳، ص ۵۱۱.
۲۷. الذریعه، ج ۸، ص ۲۱۹.
۲۸. المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۲۹۹.
۲۹. همان، ج ۱، ص ۲۶۸.
۳۰. رک الذریعه، ج ۸، ص ۲۲۳؛ المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۲۷۴.
۳۱. مقاله وقفنامه مدرسه و مسجد دروازه دولت چاپ شده در فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال چهارم، ش ۲، تابستان ۱۳۷۵ و رک: مقاله کتابداری و کتابخانه‌های موقوفه چاپ شده در مجله تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۷۰، شماره ۱۸ و مقاله نظری به ادبیات وقف از همو، چاپ شده در فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال هفدهم، ش ۶۵.
۳۲. به نوشته بلاغی چهارده باب دکان به شماره پلاک ۱۸۱ و ۱۸۳-۱۹۵ توسط مهد علیا وقف شده است. رک: تاریخ گزیده تهران، ص ۲۸۷.
۳۳. سوره بقره، آیه ۱۸۱.